



مقایسه سبک آموزش و پرورش آمریکا با انگلستان و خریها و بدیهای هر يك

سبک آموزش و پرورش در انگلستان با آمریکا فرقه‌های اساسی دارد. در این اواخر در آمریکا میان بسیاری از مردم شایع شده که در انگلستان اطفال و جوانانرا بهتر تربیت میکنند. اینک باید دید که آیا این شایعه درست است یا نه؟ از بررسیها و تحقیقات دقیقی که از مریبان و اهل فن هر دو کشور کرده‌اند، بطور خلاصه، این نتیجه بدست آمده که در انگلستان عده کم یا اقلیت بهتر از آمریکا تربیت میشوند اما در آمریکا عده زیادتر یا اکثریت تربیتشان بیشتر و بهتر از انگلستان است.

در انگلستان برای شاگردان باهوش و با استعداد وسائل ترقی از هر حیث فراهم و راههای پیشرفت کاملاً باز است چنانکه اگر دانش‌آموزی در سن یازده در امتحان مخصوصی نشان بدهد و ثابت شود که او باهوش است و استعداد دارد و جزو ۲۵ در ۱۰۰ دانش - آموزان حوزه خود میباشد او را در مدرسه‌ای که اسم آن گرامر اسکول^۱ است می‌پذیرند و در آن مدرسه، بهترین تعلیمات، بوسیله بهترین معلمان، باو داده میشود. تحصیلات دانش آموزان در این نوع مدارس باندازه سه سال تحصیلات اطفال عادی و معمولی است. ۱۵ در ۱۰۰ از دانش‌آموزانی که هوش و استعداد متوسط دارند بمدارسی که از هر حیث در درجه دوم قرار گرفته‌اند فرستاده میشوند و فقط عده کمی از معلمان آن مدارس درجه علمی از دانشگاهها گرفته‌اند. دانش‌آموزان این قبیل مدارس بیشتر دنبال کارهای حرفه‌ای میروند و در ۱۶ سالگی غالباً کارگر ماهر یا نیمه ماهر در کارخانه‌ها وارد میشوند.

* جناب آقای احمد سعیدی، معاون سابق وزارت فرهنگ و سرپرست سابق محصلین ایران در اروپا و آمریکا، از رجال دانشمند و صاحب نظر معاصر.

۱ - Grammar school

ورود بدانشگاهها در انگلستان- پدران و مادران ثروتمند، فرزندان خود را

که ۷ در ۱۰۰ دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند بمدارس خصوصی و ملی می‌فرستند و چون در این نوع مدارس بامر تعلیم و تربیت اطفال توجه خاص میشود در آینده امیدپذیرفته‌شدنشان در دانشگاه‌های معروف اکسفورد و کامبریج و نظایر آنها زیادتر است و میتوان گفت از ۵۲ میلیون جمعیت انگلستان فقط (۸۵۰۰۰) دانشجو میتوانند در دانشگاه‌های آنجا راه پیدا کنند در حالیکه از حدود هشتاد میلیون مردم امریکا سه میلیون و چهارصد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها مشغول تحصیل هستند. بنابراین اگر بین مردم امریکا و انگلستان و شوروی و شماره دانشجویان در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های یکی از آن سه کشور مقایسه‌ای بشود، شماره دانشجویان انگلیسی در دانشگاه‌های آن کشور خیلی کم و ناچیز است از این حیث در عصر حاضر امریکا در درجه اول، روسیه شوروی در درجه دوم و انگلستان در درجه بیست و پنجم قرار گرفته است. بسیاری از متخصصان فن آموزش و پرورش پس از تحقیقات کافی باین نتیجه رسیده‌اند که میان سبک آموزش و پرورش امریکا و انگلستان، تفاوت مهم و اساسی در این است که امریکائی‌ها معتقد هستند که وسائل آموزش و پرورش را، از دبستانها گرفته تا دانشگاه‌ها، باید برای دانش‌آموزان و دانشجویان آنکشور بطور تساوی، صرف نظر از استعداد و درجه هوش یا فقر و غنایشان، تهیه نمود تا هر کس، باندازه فهم و استعداد خود، بهر درجه و مقامی علمی یا فنی که بخواهد و بتواند برسد. در حالیکه انگلیسها عقیده دارند که وسائل تعلیم و تربیت عالی را (خواه علمی و خواه فنی) باید محدود نمود و فقط برای جوانان با استعداد و برجسته فراهم کرد. در انگلستان این عقیده یا سبک آموزش و پرورش موافقینی و مخالفینی سرسخت دارد که سعی دارند این روش را از بنیاد تغییر دهند. با وجود تمام انتقادات و نارضایی‌ها که در انگلستان از این سبک میشود باید فهمید چرا تعلیمات عالی در آن کشور شهرت و معروفیت جهانی دارد؟ توضیحاتی که در این جا بیان میشود جواب این پرسش را میدهد:

گلچین کردن- متخصصان فن آموزش و پرورش در انگلستان معتقدند که نخبه

کردن دانش‌آموزان از روی هوش و استعدادشان برای تحصیلات عالی، یکی از بهترین مظاهر تعلیم و تربیت در انگلستان است. با این سبک یا روش، دانش‌آموزان را به نسبت هوش و استعدادشان، از راه آزمایشهای مخصوص در کلاسهای مختلف، تقسیم میکنند بطوریکه در بعضی از مدارس بزرگ، از نظر اختلاف هوش و استعداد دانش‌آموزان، پانزده شب متمایز از یکدیگر وجود دارد. دانش‌آموز باهوش و زحمتکش را برای خاطر کم هوشان و عقب‌ماندگان نگاه نمیدارند تا وقت و نیروی درک معلومات آنان بهدر نرود. در عین حال دانش‌آموزان کم استعداد را هم، چنانکه در امریکا معمول است، بکلی رها

نمیکنند. برای آنان هم وسائل مقتضی برای پیشرفت در کسب دانش و فن فراهم مینمایند.

تخصص - یکی دیگر از مظاهر برجسته درسبک آموزش و پرورش در دبیرستانهای انگلستان این است که دانش آموزان باهوش و مستعد میتوانند جلوتر و سریعتر از دانش آموزان عموماً در پیش بر روند، بدین ترتیب که هر دانش آموز مستعد در مدارس مخصوصاً در سن ۱۴ یا ۱۵ باید معین کند که میخواهد در شعبه علمی کار کند و جلو برود یا شعبه ادبی. اگر شعبه علمی را انتخاب نمود مواد تحصیلی در رشته طبیعیات و شیمی را انتخاب میکنند. در این صورت، برای اینکه وقت بیشتری برای تحصیل علوم داشته باشد از تحصیل زبان یونانی و لاتینی صرف نظر میکنند و در سن ۱۶ تمام وقت و سعی دانش آموز باموختن ۲ یا ۳ ماده از رشته علمی صرف میشود که انتخاب کرده است، بطوریکه وقتی در ۱۸ سالگی مدرسه مخصوص را تمام کرد، اطلاعات علمی او در رشته فنی یا تخصصی که قبلاً انتخاب کرده باندازه معلومات سال اول یا دوم دانشکدههاست. دانش آموزانیکه رشته ادبی را برگزیده اند در سن ۱۴ یا ۱۵ وقت و سعی خود را بتحصیل چند زبان صرف میکنند بطوریکه در ۱۶ سالگی سه چهارم وقت تحصیلی آنان منحصرأ بدویامنتهی سه زبان صرف میشود. ممکن است گفته شود که در سالهای ۱۶ یا ۱۸ خیلی زود است که دانش آموز رشته تخصصی یا فن خود را انتخاب کند زیرا فکر و معلوماتشان بسیار کم و محدود است و شاید تشخیصشان نادرست باشد. اهل فن باین انتقاد پاسخ داده اند: فرضاً این نظر صحیح باشد باز بهتر از این است که معلومات یا فکر دانش آموزان سطحی و کم عمق باشد و طبق برنامه و نظامات دبیرستانها کور کورانه، موادی را تحصیل کرده اند که در آینده نخواهند توانست از آن استفاده کنند و وقت آنان هم تلف شده است. معلمان امریکائی که موقتاً در مدارس انگلستان بکار تدریس اشتغال دارند، از عدم مداخله یا فشار اولیاء دانش آموزان راجع بامور تحصیل یا زندگانی آنان تعجب میکردند و بعضی از آنان میگفتند که این عدم مداخله بجدی است که رئیس معلمان و مدرسه تماس گرفتن و ارتباط با پدر و مادر دانش آموزان را اساساً خوش ندارند. مهمترین مزیت سبک آموزش و پرورش انگلیسی اساساً همان قدرت و تسلط رئیس و معلمان در امر تحصیلی دانش آموزان است تا بتوانند نظم کامل را در مدارس برقرار سازند. اگر احیاناً پدر یا مادر دانش آموز شکایتی دارد و یا در خصوص جریان امر تحصیلی دانش آموز اطلاعاتی لازم دارد فقط میتواند با رئیس مدرسه ملاقات و مذاکره کنند. اولیاء دانش آموزان بهیچوجه نمیتوانند بوسیله هیئت مدیره که با نظر سیاسی و حزبی انتخاب شده اند یا سازمانهای دیگر کوچکترین دخالتی در امور داخلی مدارس بنمایند یا فرضاً اعمال نمود کنند و معلمی را تغییر یا ارتقاء درجه دهند.

بطور خلاصه سه اصل اساسی در سبک آموزش و پرورش در انگلستان وجود دارد که موجب تمجید و تحسین معلمان امریکائی است که در مدارس انگلستان مشغول تدریس شده‌اند:

اول- گلچین یا نخبه کردن دانش آموزان بوسیله امتحانهای هوش و استعداد در جریان تحصیل در دبیرستانها.

دوم- تعیین رشته‌های تخصصی یا فنی دانش آموزان در علوم یا ادبیات و غیره در اواسط دوره تحصیلی در آن مدارس.

سوم- عدم مداخله اولیاء دانش آموزان در امر تحصیلی دانشجویان یا اعمال نفوذ در عزل یا منصب یا ترفیع درجه کارکنان مدارس.

یکی دیگر از مشخصات سبک آموزش و پرورش در انگلستان، کمی توجه بعد از کسب از دانش آموزان است که هوش و استعدادشان کم یا متوسط است. این امر مخصوصاً در این اواخر باعث انتقاد زیاد و شدید شده است. امتحان هوش و استعداد یعنی داشتن معدل بیش از ۱۱ پیش از ختم تحصیلات دوره ابتدائی و رفتن بدبیرستانها (گرامار اسکول) صورت میپذیرد و این عمل تقدیر و سرنوشت آینده اکثریت دانش آموزانرا در ۱۱ سالگی یا کمی زودتر معین میکند.

دانش آموزانیکه از عهده امتحان بر آمده‌اند، تحصیلات خود را تا ۱۸ سالگی ادامه میدهند. در انگلستان راه ورود بدانشگاهها یا پیدا کردن کار خوب برای کسانیکه امتحان هوش و استعداد داده‌اند باز است.

دانش آموزانیکه در امتحان هوش و استعداد رد شده‌اند بدبیرستانهای معمولی میروند و در آنجا تحصیلاتشان در سن ۱۵ تا ۱۶ خاتمه میپذیرد بعد از آن بدنبال کار و حرفه‌های مختلف میروند. انتقادکنندگان میگویند این سبک آموزش و پرورش صحیح و عادلانه نیست و استعداد بسیاری از دانش آموزان ضایع میشود و از میان میرود. زیرا در سن یازده نمیتوان بوسیله آزمایشها هوش و استعداد آنان را سنجید. شخص مطلعی میگوید عده‌ای از دانش آموزان که امتحان استعداد و هوش داده‌اند قابلیت ادامه تحصیل در گرامار اسکول را ندارند در حالیکه بسیاری از آنان که در آزمایش هوش و استعداد شکست خورده‌اند بعدها اگر چند سال دیگر از سنشان بگذرد عملانشان می‌دند که برای پذیرفته شدن در دانشگاهها و تکمیل تحصیلات قابل ولایق هستند. چنانکه چرچیل نخست وزیر سابق انگلیس، مشهورترین نمونه دانش آموزانی است که نبوغ و استعداد او بعد از یازده سالگی ظاهر و هویدا شد در حالیکه در دوره ابتدائی یکی از شاگردان عقب مانده در مدرسه بود و اگر در ۱۱ سالگی امتحان هوش و استعداد میداد رد میشد یا اصلاً برای ادامه تحصیل قابل نبود.

مشکل بزرگ در سبک آموزش و پرورش در انگلستان- انتقاد از آزمایش

هوش و استعداد در سبک تعلیمات در انگلستان سطحی است و چندان مهم نیست. اشکال بزرگ در این است که با کثرت دانش‌آموزان در آن کشور معلومات خیلی مختصر داده میشود و برای عده کمی از آنان مجال و وسائل پیشرفت برای تحصیل بالاتر فراهم است. تحصیل مجانی و رایگان و اجباری در دوره دبیرستان، در این اواخر یعنی بعد از جنگ جهانی دوم، شروع شده است. از هر پنج دانش‌آموز، چهار نفر بیش از ۱۶ سالگی تدریس تحصیل میکنند. در انگلستان در ۱۸ سالگی ۹۵ درصد تمام دانش‌آموزان تحصیل را رها میکنند و دنبال کار و حرفه‌ای میروند. بعضی از انگلیسها میگویند محدود کردن عده دانش‌آموزانی که میتوانند بدانشگاهها بروند یکی از محسنات سبک تعلیم و تربیت آن کشور است باین دلیل که سطح علم و ادب و هنر در دانشگاههای انگلستان خیلی بالا نگاه داشته شده است و به‌باهوش‌ترین و با استعدادترین دانش‌آموزان اختصاص دارد و این موضوع هم مورد انتقاد زیاد جمعی از متصدیان امور فرهنگی آن کشور قرار گرفته است.

اقتباس و استفاده از مدارس امریکا در سبک تعلیم و تربیت در انگلستان، انقلابی وسیع و عظیم در شرف وقوع است. اما این تغییر از راه اقتباس از بهترین اصول عملی و مفید از مدارس امریکا و بتدریج در بهترین مدارس انگلستان بوقوع خواهد پیوست. انگلیسها امیدوارند از این راه بتوانند اولاً اسباب و وسائلی بیشتر و بهتر فراهم کنند که معلوماتی بالاتر و وسیعتر بعهده زیادی از جوانان انگلیسی داده شود تا هنر و استعداد خدا داد آنان ضایع نگردد. ثانیاً طوری شود که همه دانش‌آموزان بیک نوع از مدارس بروند و در رشته‌های مختلف بیک نوع معلومات تحصیل کنند و میان‌باهوش و مستعد و کم‌هوش فرقی گذاشته نشود. جمعی از زمامداران فرهنگی آن کشور معتقدند که باین وسیله سد محکم و خشک و سنتی تعلیمات در انگلستان شکسته و راهها باز خواهد شد و راه زمینه آموزش و پرورش مفیدتری صاف و هموار خواهد گردید. آنچه انگلستان قصد دارد در موضوع تعلیم و تربیت در آن کشور حفظ کند و نگاه دارد همانا روش نخبه و گلچین کردن دانش‌آموزان با استعداد از دانش‌آموزان کم‌هوش و کودن است. اما در این موضوع یعنی در جدا کردن محصلین مستعد از محصلین نامستعد و متوسط‌العال و همچنین دایر نگاه داشتن مدرسه مخصوص مستعدان در میان متخصصان و متصدیان امور فرهنگی انگلستان اختلاف عقیده زیاد است.

نتیجه پس از توجه و دقت مخصوصی در روش و سبک آموزش و پرورش در انگلستان، اهل تحقیق باین نتیجه رسیده‌اند که عقیده مبنی بر اینکه بطور کلی مدارس انگلستان بهتر از مدارس امریکاست درست و صحیح نیست. همین قدر میتوان گفت که شاگردان باهوش و مستعد در انگلستان در مدارس تحصیل میکنند که روی هم رفته بهتر از اغلب مدارس امریکا در آن نوع است اما اکثریت عظیم دانش‌آموزان آن کشور بمدارسی میروند که میزان تحصیلات و نظامات آنها از مدارس نوع خود در امریکا پست‌تر و پائین‌تر است.